

پایان دادن به بربریت سرمایه، از جنگ، کشتار و استثمار کودکان در گرو لغو کار مزدی است!

بمناسبت ۱۲ ژوئن روز جهانی لغو کار کودکان



سحر صبا

امسال در شرایطی از روز جهانی لغو کار کودکان سخن به میان می آوریم که کودکان در سطح جهان نه تنها مورد استثمار شدیدتر و در معرض قحطی، گرسنگی و سوء تغذیه قرار دارند بلکه نسل کشی که در غزه از طرف اسرائیل با بیرحمانه ترین شکل از چند ماه گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد جان بیش از ۱۵۰۰۰ کودک را گرفته که ۴۴ درصد قربانیان این جنگ را رقم میزنند، دستکم سه هزار کودک فلسطینی دست یا پای خود را بر اثر حملات اسرائیل از دست داده اند، عمق فاجعه هم به اینجا ختم نشده تا به امروز هم هزاران کودک در معرض قحطی و گرسنگی اند. طبق آمار هر ساعت ۴ کودک در غزه قربانی جنایات صهیونیستها می شوند. نگاهی به روند جنگ غزه از ابتدا تا کنون نشان می دهد که بزرگترین قربانیان این جنگ جنایتکارانه کودکان هستند و به همین دلیل بسیاری از نهادهای جهانی آن را جنگ اسرائیل با کودکان می نامند. اسرائیل طی این چند ماه به اندازه ۴ سال جنگ جهانی کودک کشته است.

یک رسانه انگلیسی در گزارشی به ابعاد جنایات وحشیانه اشغالگران صهیونیست در چادرهای آوارگان در رفح پرداخته و اعلام کرد صحنه هایی که بعد از این حمله جنایتکارانه رقم خورد بسیار وحشتناک است، همچون دویدن مردی که کودک بدون سر خود را در آغوش گرفته بود!
در پی محاصره مستمر نوار غزه، بسته بودن گذرگاه های مرزی و ممانعت اسرائیل از ورود غذا و دارو، صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) از فروپاشی نظام غذایی و درمان در این باریکه خبر داد.
یونیسف اعلام کرده است از هر ۱۰ کودک نوار غزه، ۹ نفر با فقر غذایی شدید دست و پنجه نرم می کنند.

زندگی میلیونها کودکان جهان، با استثمار، فقر و همچنین با جنگ و درگیری و کشتار رقم خورده است. کودکان قربانیان جنگهای سود جویانه امپریالیستها در دهه های گذشته در جوامعی همچون عراق، افغانستان، سوریه و لیبی، آنگولا و گینه، سودان و اوگاندا، سومالی و یمن و امروز به فجع ترین شکل در غزه از طریق فاشیستهای صهیونیست اسرائیلی هستند، دامنه این جنگ آنچنان گسترده و وسیع است، که با هیچ قلم و زبانی نمی توان آن را توضیح داد. در این جوامع جنگی کودکان با جنگ متولد و بزرگ می شوند، با کابوس بمب و توپ و خمپاره، به خواب می روند و با صدای ضجه و زاری دیگر کودکان و بزرگان، و همچنین با صورتهای وحشت زده و صدای تانکها و توهین و تحقیر نیروهای دشمن، از خواب بر می خیزند. در دنیای پر از نکبت امروز سرمایه کودکان این جوامع، به عنوان اولین قربانیان و سر تیترهای جنگهای ارتجاعی امپریالیستها و بورژوازی جهانی تبدیل گردیده اند و اختلالات روانی و روحی ناشی از جنگ و کشتار، و از دست دادن والدین، آینده و زندگی شان را به تباهی کامل کشانده است.

صندوق نجات کودکان، با انتشار گزارشی اعلام کرد که بیش از ۶,۵ میلیون کودک در افغانستان در سال ۲۰۲۴ با بحران گرسنگی مواجه خواهند شد، که از هر ۱۰ کودک در افغانستان، ۳ کودک در معرض گرسنگی و سوء تغذیه شدید خواهند بود.

بر اساس گزارش یونیسف، ۲۰۰ میلیون کودک زیر پنج سال دچار فقر غذایی هستند که از این تعداد، ۱۸۰ میلیون کودک به فقر غذایی شدید دچار هستند. این وضعیت وخیم، تقریباً یک کودک از هر ۴ کودک زیر پنج سال در معرض عارضه های مستمر تغذیه ناکافی و نامتعادل قرار دارند. سوء تغذیه بر سلامت، رشد و آینده این کودکان تاثیر عمیق داشته و نسلهای بعدی را هم تهدید خواهد نمود. سازمان جهانی بهداشت (WHO) سوء تغذیه را به عنوان کمبود بیش از حد یا عدم تعادل در دریافت مواد مغذی و انرژی تعریف می کند که می تواند به شکل های مختلفی مانند کمزوری، کوتاه قدی، چاقی یا بیماری های غیرواگیر مرتبط با تغذیه بروز کند. نیازهای تغذیه ای کودکان زیر ۵ سال در روند رشد جسمی و فکری آنها بسیار مهم و حیاتی است. کودکان مبتلا به سوء تغذیه ۱۱ برابر بیشتر از کودکانی که تغذیه مناسب دارند در معرض خطر مرگ قرار دارند.

طبق آمارهای یونیسف، ۴۴۰ میلیون کودک زیر پنج سال (یعنی ۶۶٪) هر روز به پنج گروه غذایی از هشت گروه اصلی دسترسی ندارند (شامل شیر مادر، غلات، میوه ها و سبزیجات غنی از ویتامین A، گوشت یا ماهی، تخم مرغ، محصولات لبنی، حبوبات، سایر میوه ها و سبزیجات) و با فقر غذایی مواجه اند. از این تعداد، ۱۸۱ میلیون (یعنی ۲۷٪) در بهترین حالت تنها از دو گروه غذایی استفاده می کنند و بنابراین به فقر غذایی شدید دچار هستند.

در روابط کار و سرمایه نظام سرمایه داری "بردگی کودکان" با استثمار، کارهای شاق و طاقت فرسا، تعدی، تجاوز و مرگ تدریجی رقم خورده است. استثمار فرد از فرد جزء ذات وجودی نظام سرمایه داری است که هر روز تولید و باز تولید میشود، اما "بردگی کودکان" تحت کار ارزان جسمی از شیخ ترین شکل این استثمار است. کار کودکان نماد آرزوهای تحقق نیافته صدها میلیونها کودک کارگر و فرزندان کارگرانی است، که در پی لقمه نانی برای زنده ماندن امروز را به فردا سر می کنند. برخوردار شدن از یک مکان امن، دسترسی به بهداشت و تحصیل، حداقل امکانات رفاهی و تفریحاتی کودکانه جزء رویاهای این بخش از کودکان است که با موجودیت نظام بردگی مزدی سرمایه هیچوقت تحقق نخواهد یافت. در مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری جهانی کار کودکان یکی از این پروژه های دائمی و تعطیل ناپذیر است و با سود آوری کلانی برای سرمایه داران همراه است. صدها میلیون کودک کارگر که بخش قابل ملاحظه ای از طبقه کارگر را تشکیل می دهند بطور ناخواسته جزء محروم ترین، بی حقوق ترین و بی دفاع ترین بخش طبقه کارگر جهانی اند که سرمایه داری کار آنها را به عنوان ارزانترین نیروی کار بخدمت گرفته است. کار کودکان در اثر فقر خانواده های کارگری و بالاجبار برای تداوم زندگی و زنده ماندن شکل گرفت. استفاده از نیروی کاری که تولید بر متن فشار و شدت بالای کار بدون هیچ دردسر و اعتراضی به آسانی برای سرمایه سازمان داده میشود، با دامن زدن رقابت در درون صفوف این "برندگان کوچک" سقف دستمزدها را از آنچه هست باز هم پایین تر می آورند، این شیوه از بردگی نه تنها در چارچوب هیچ قانونی نمی گنجد بلکه به اعتبار این اجحافات هم، سودآوری بیشتر سرمایه را تضمین می کنند. این پروسه در نهایت به بیکاری بیشتر بزرگسالان و والدین این کودکان کارگر می انجامد و فقر و فلاکت را افزایش میدهد. آمارها نشان می دهد که در کشورهای در حال توسعه وضع کودکان کار بسیار اسفناک تر است. در این کشورها سرمایه داری به عریان ترین شکل جنایت می آفریند به دلیل عدم قوانین حمایتی در جهت دفاع از کودکان، میزان رشد اقتصادی پایین، تقسیم ناعادلانه ی ثروت که باعث به وجود آمدن تضادهای طبقاتی شدیدی شده است و فقر گسترده ای را بر این جوامع حاکم کرده است، کودکان را به شکل وسیعی در معرض خشونت، فقر، تجاوز و بردگی قرار داده است. بردگی مزدی کودکان، در این کشورها از جمله: کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین بیشترین رقم را شامل میشود، سود حاصل از کار کودکان عمدتاً نصیب سرمایه داران بزرگ می شود و این جزء مهمی، از زنجیره تولید کمپانی های چند ملیتی است. در غرب، در آمریکای صنعتی و پیشرفته و مهد دموکراسی، استثمار کودکان هم در سطح وسیعی رایج است. کودکان به عنوان کارگر از این نظر برای صاحبان کار مفید و سود آور هستند زیرا جثه کوچک آنها این اجازه را میدهد در فضاهای کوچک در کارخانه ها یا معادن جایجا شوند، جائیکه امکانش برای بزرگسالان غیر ممکن است، کنترل و نظارت بر کودکان آسانتر و از همه مهمتر دستمزد بسیار پائین تری نسبت به کارگران بزرگسال دریافت می کنند.

در سال گذشته در ایالات متحده سنای آیووا لایحه ای را تصویب کرد که بسیاری از محدودیت های کار کودکان در آن ایالت را منحل میکند، انواع مشاغلی را که خردسالان می توانند به طور قانونی در آنها کار کنند را گسترش داده، حداکثر طول شیفت ها را افزایش داده و به موسسه ها این اجازه داده شده که شبانه کودکان را تا دیر وقت به کار بگیرند.

این لایحه در مجلس قانونگذاری تحت کنترل جمهوری خواهان با مستمسک «مدرن سازی» قوانین کار کودکان آیووا ارائه شد. طبق گزارش موسسه سیاستگذاری اقتصادی (ای پی آی)، در دو سال گذشته ۱۰ ایالت لویجی را برای کاهش محدودیت های کار کودکان در ایالات متحده در نظر گرفته اند. در سال جاری تا کنون هشت لایحه ارائه شده است، از جمله یک لایحه در مینه سوتا که به کودکان اجازه می دهد در محل های ساختمانی کار کنند. لایحه دیگری به تازگی در آرکانزاس قانونی شده است.

طبق همان مطالعه (ای پی آی)، تعداد کودکان مرتبط با نقض قانون کار کودکان، بین سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ تقریباً ۴۰۰ درصد افزایش یافته است. از جمله استخدام ده ها کودک تا سن ۱۲ سالگی در یک کارخانه قطعات خودرو آلاباما و بیش از صد کودک در مشاغل خطرناک در یک کارخانه بسته بندی گوشت در ویسکانسین است. در هر دو مورد، این کودکان کارگر عمدتاً مهاجر بودند.

همچنان در مناطق روستایی در ایالات متحده کار کودکان به طور گسترده متداول است. تقریباً ۵۰۰,۰۰۰ کودک بین ۱۲ تا ۱۷ سال در بخش کشاورزی کار می کنند و معافیت هایی برای کارهای کشاورزی وجود دارد که به کودکان ۱۰ ساله اجازه می دهد با اجازه والدین خود کار کنند. کشاورزی نیز معاف از حداقل دستمزد فدرال است، و شامل استخدام کودکان کارگر مهاجر میشود.

سیاست جنگی امپریالیسم آمریکا و بودجه نظامی تریلیون دلاری و ده ها میلیاردی که برای جنگ نیابتی ایالات متحده در اوکراین و در حمایت از دولت اسرائیل برای نسل کشی مردم غزه و بویژه کودکان مورد تخصیص قرار می گیرد، یک بخش آن از استثمار همین کودکان کار تامین میشود.

سود حاصل کمپانیهای آمریکایی از استثمار کار کودکان سالانه به مبالغ هنگفتی میرسد. استثمار کودکان، در عصر حاضر، مهر قوانین ضد بشری سرمایه داری، قانون سود و رقابت، را بر پیشانی خود دارد. فقر و فلاکت صدها میلیون خانواده کارگری و کم درآمد، کودکان را به برزخی از کارهای سخت و پر مخاطره می کشاند. تمایل و اشتیاق صاحبان سرمایه به استفاده از نیروی کار ارزان کودکان و استثمار آنان، دایره فقر و فلاکت را وسیعتر و شکاف طبقاتی را عمیقتر می کند. در پی اجرای سیاستهای ضد کارگری نئولیبرالی و خصوصی سازیها از طریق "صندوق بین المللی و بانک جهانی پول"، که پیامدهای آن فقر و فلاکت بیشتر، بیکار سازیها و کاهش بودجه خدمات اجتماعی است، بیشترین ضربه را به امر آموزش و بهداشت و امکانات رفاهی کودکان وارد نموده است. خانواده های کارگری و کم درآمدی که تحت فشار اقتصادی قرار دارند و یا در اثر بحرانهای اقتصادی کار و کمک هزینه های زندگی خود را از دست می دهند، غالباً، چاره ای نمی یابند جز آن که مخارج مربوط به آموزش کودکان را از لیست هزینه های زندگیشان حذف نموده و آنان را روانه بازار کار نمایند.

بحرانهای اقتصادی جهانی در چند سال اخیر، سبب کاهش سطح آموزش، بهداشت و امکانات رفاهی کودکان شده است. در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین، و حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی، نه فقط تعداد دانش آموزان تحصیلات ابتدایی و متوسطه کاهش یافته، بلکه سطح امکانات آموزشی (معلمین و مراکز آموزشی و...) هم بشدت تقلیل یافته است. بهمین دلیل بخشی از این کودکان ناچاراً جذب بازار کار شده اند. کار کودکان در ابعاد وسیع تری سبب رونق و سودهای بیشتر بنگاهها و شرکتهای چند ملیتی در نظامهای سرمایه داری شده است.

کار کودکان فقط به یک سری از صنایع محدود نمیشود، در هر جا که آثاری از بردگی سرمایه وجود دارد کودکان حضور دارند. تقریباً هیچ رشته ای از کار، از کارخانه های صنعتی و صادراتی گرفته تا کارگاه های قالی بافی و صنعت کشاورزی تا معادن نیست که با بردگی کودکان و گرفتن رمق آنان عجین نشده باشد. در بخش صنعت بعلت بازدهی کار بالایی که این "برندگان ارزان" دارند، اکثر آنها در کارخانه های صادراتی به کار گمارده میشوند. در کشورهای در حال توسعه بخشی از کودکان کارگر برای کشورهای صنعتی و پیشرفته محصولات ورزشی می سازند بخصوص بیشتر محصولات "نایکی" و "گپ" که از کارخانه های معروف تولید پوشاک و محصولات ورزشی هستند از طریق این بردگان مزدی خردسال تولید میشود. از آنجائیکه مراجع بین المللی حقوق کودکان از جمله: کنوانسیون "سازمان بین المللی کار"، "کنوانسیون حقوق کودک" سازمان ملل، سازمان جهانی کار (آی. ال. او) خود دست نشانده و محصول

کشورهای امپریالیستی هستند، این جنایات سرمایه داری بر کودکان کار را چشم پوشی می نمایند، و از آمار واقعی کودکانی که به کار بردگی و اجباری گمارده شده اند و بازگو نمودن وضعیت اسفناک کاری و زیستی آنها سر باز می زنند. با اعلام نمودن میزان پائینی از این بخش از نیروی کار در سطح جهان به آسانی بر این جنایت سرمایه صحنه می گذارند. با وجود پنهان و انکار نمودن حقایق از جانب این نهادهای بین المللی، اما زشتی و غیر انسانی بودن شیوه استثمار سرمایه و پیامدهای آن، بر همگان آشکار است. تقسیم کار کودکان در رشته‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و ، تحت عنوان کمک به خانواده‌هایشان، از طرف بورژوازی امری طبیعی جلوه داده شده است. نهایتاً با انمود نمودن یکسری از طرحهای رفرمیستی، می خواهند بردگی کار کودکان را موجه قلمداد کنند.

در عصر "تمدن پوشالی" سرمایه‌داری و پیروزی بازار آزاد ، "بردگی مدرن" کودکان هم به یکی از تجارتهای سودآور سرمایه‌داری جهانی تبدیل شده است. کودکان کارگران و زحمت کشان و انبوه گرسنگان جهان، نه تنها در چنگال فقر و بیماری و کار طاقت فرسا اسیرند، بلکه مورد آزار و استثمار جنسی هم قرار می‌گیرند تا از این طریق سرمایه، سودآوری هر چه بیشتری را تامین نماید. بر اساس گزارشهای یونسف سالانه بیش از یک میلیون کودک، وارد صنعت و تجارت سکس می‌شوند. یک میلیون کودک هر ساله از سیکل زندگی حقیقی و کودکی خود خارج شده و بر سود آوری سرمایه می‌افزیند. این نونهالان، به دلیل فقر خانوادگی و به دلیل سود مافوقی که سرمایه می‌خواهد کسب کند، از محیط و از روابط کودکی خود کنده شده و وارد عرصه‌ی زندگی ناخواسته‌ای می‌گردند که طبعاً عواقب وخیم آن، تا ابد بر روح و روان‌شان تاثیر خواهد گذاشت.

کودکان خیابانی و بی سرپرست که توسط شبکه باندهای مافیائی از خیابان‌ها جمع‌آوری می‌شوند و با زور و تهدید به تن فروشی مجبور می‌گردند، تا بر ثروت نجومی این باندها بیافزایند از شمار قابل توجهی برخوردارند. این کودکان، در بدترین شرایط زیستی بسر می‌برند. ساعات طولانی از روز را بر حسب برنامه تعیین شده مجبور به تن فروشی هستند و در ساعات فراغت نیز در ساختمان‌های دربسته بشدت محافظت می‌شوند؛ به بردگانی می‌مانند که به ازای فروش تن‌های خود از حداقل خوراک و سرپناهی برای گذران زندگی برخوردار می‌شوند و در مقابل نافرمانی نیز با شدیدترین تنبیه‌ها روبرو شده و در برخی مواقع هم، مرگ، انتظارشان را می‌کشد.

یک مورد دیگر که نظام سرمایه داری خانواده های کارگری را تا نسل اندر نسل مقروض می‌نماید بردگی قرض است، نه فقط این کارگران، که کودکان آنها هم تا چند نسل بعد در این سیکل اسیراند. آمار کودکان کار و خیابانی در سراسر جهان، امروز از رقم ۴۰۰ میلیون هم تجاوز کرده است.

در ایران آمار کودکان خیابانی که فاقد سرپناه مناسب و زندگی امن و سالمی هستند به ۷ میلیون تخمین زده شده است. این بخش از نیروی کار به خاطر بقای زندگی خود ناچاراند به کارتن خوابی، خیابان گردی، دست فروشی، گدایی، دزدی و بزهکاری و... دست بزنند تا در این جنگ نا برابر حد اقل زنده بمانند! امروز کودکان خیابانی، و یا کودکانی که نیروی کارشان با بیرحمانه ترین شکل به استثمار گرفته میشود یک معضل جدی جامعه ایران است. بیش از چهار دهه حکومت ننگین جمهوری اسلامی دستاوردی که برای میلیونها انسان به‌مراه داشته است فقر روز افزون ، بیکاری، اعتیاد و بی خانمانی است. بیشترین صدمات و عارضه این فقر و فلاکت دامن طبقه کارگر و توده های فرودست جامعه را گرفته است. کودکان خانواده های کارگری به علت اینکه خانواده هایشان قادر نیستند از نظر معیشتی آنها را حمایت کنند و از سوی دیگر با عدم مسئولیت جامعه روبرو‌اند، اولین قربانیان این فجایع هستند. دولت و سردمداران حکومتی با دامن زدن به تورم و گرانی، بیکاری و ناامنی شغلی به این فلاکت و فقر دامن زده و با تولید و باز تولید هر روزه آن نه تنها بردگی و استثمار مطلق را به نیروی کار تحمیل نموده بلکه فرزندان آنها را هم به این گردونه سوق میدهند. علیرغم قانون پوشالی و کذائی ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۵ سال در ایران، هیچ محدودیت سنی، ساعات کار، نوع و رشته های کاری برای کار کودکان وجود ندارد. کودکان در اکثر رشته های تولیدی، خدماتی، و تجاری بکار گرفته میشوند. کار کودکان بخصوص در رشته های تولید خانگی از ۴ تا ۵ سالگی آغاز میشود. قالبیابی یکی از این رشته ها است که بیش از نیمی از نیروی کار کودکان خردسال را بخود اختصاص داده است. همچنین بخش قابل توجهی از کودکان در بخش صنایع نساجی، پوشاک و چرم مشغول به کار هستند. کودک کار و خیابانی، کارگر ارزان مطیع و خاموشی ست که به شدیدترین نحوی مورد استثمار و سوء استفاده سرمایه‌دار و کارفرما قرار می‌گیرد. در بسیاری از موارد، از کودک، کار اضافه می‌کشند، تمام یا بخشی از مزد کودک کارگر را نمی‌دهند، به وی زور می‌گویند و او را

تنبیه بدنی می‌کنند، مورد آزار و سوء استفاده جنسی قرار می‌دهند، او در حمل مواد مخدر مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. این کارگران خردسال، که دنیای کودکی را به اجبار ترک کرده‌اند، در عین حال همواره در وحشت و ترس و ناامنی به سر می‌برند و در برابر وضعیتی که نظام سودجو سرمایه‌داری بر آنها تحمیل نموده، تسلیم‌اند. کودکان مجبور به کار هستند، به همین سادگی، "اجبار" به کار کودکان، بر متن فقر و استیصال آنان، از طرف بورژوازی "خواست" داوطلبانه برای کار تلقی می‌شود؛ امیال و آرزوهای انسانی کودکان برای یک زندگی انسانی، آموزش و تفریح و شادی، خط می‌خورد؛ و تلاش می‌شود که کار کودکان از سنین بسیار پائین به رسمیت شناخته شود و معمول گردد، در حالیکه، نشاط کودکان و شیرۀ جانش قطره قطره توسط سرمایه‌داران مکیده می‌شود. این واقعیت دردناک زندگی پر از درد و رنج صدها میلیون کودکی است، که شایسته بهره‌مندی از امکانات جمعی جامعه‌ای را دارند که متعلق به آنها است، بجای آوارگی، ناامنی و بردگی باید استعدادها و خلاقیت‌های رشد و پرورش یابد. بردگی کودکان را، بدون شک، می‌توان متوقف کرد و بر آن پایانی داد. بشریت امروزه به اندازه کافی ثروت و امکانات لازم برای ریشه کن کردن کار مزدی بویژه کار مزدی کودکان را در اختیار دارد. با همین حد از ظرفیت تولیدی و ارزش اضافه، می‌شود دنیای فارغ از استثمار کودکان، دنیای رها از تبعیض و گرسنگی و فقر، را سازمان داد. مخارج سالیانه تولید تجهیزات نظامی در سطح جهان، که تریلیون و میلیاردها دلار را بخود اختصاص داده است و امپریالیستها در رقابت با هم و برای تقسیم دوباره جهان با دامن زدن به جنگهای خانمانسوز میلیونها انسان و بویژه کودکان را قربانی می‌کنند، ما امروز به عینه این نسل‌کشی در مورد کودکان را در غزه از طرف نیروهای فاشیست صهیونیستی شاهد هستیم با اختصاص فقط دو الی سه درصد از این مبلغ هنگفت بجای آدمکشی می‌تواند میلیونها کودک را از بردگی و گرسنگی و ابتلا به بیماری‌های مسری نجات داده و زندگی سالم و انسانی آنان را تامین نماید. یک چهارم مخارج نظامی کشورهای در حال توسعه می‌تواند به مهمترین مسائل و معضلات زندگی میلیونها کودک سراسر جهان پاسخگو باشد. در جامعه طبقاتی سرمایه‌داری، کودکان کارگر جزء طبقه‌ای هستند که خود و خانواده‌هایشان خالق تمام نعمات آن جامعه هستند اما خود از تمام این نعمات محروم‌اند. تا به امروز در دفاع از این کودکان مبارزه‌ایی که در قامت یک جنبش اجتماعی سازمان یافته بتواند از این بردگی و استثمار بکاهد، قابل مشاهده نیست. این وظیفه طبقه کارگر ایران است که ضمن مبارزه برای متشکل شدن، این "برندگان ارزان و کوچک" را هم در امر متشکل شدن یاری رساند و با آموزش دادن آنها که رهایی‌اشان به متحد شدن نیروی طبقاتیشان گره خورده است آنها را در صف خود متشکل و همراه نمایند. منفعت طبقاتی این کودکان کار و رنج با منفعت طبقه کارگر عجین شده، همه آنها متعلق به طبقه کارگر با یک منفعت مشترکند. این منفعت مشترک طبقاتی قطعاً مبارزه‌ای مشترک را می‌طلبد. اما این بخش از نیروی کار بدون حمایت کارگران متشکل به تنهایی قادر نخواهند بود در این مبارزه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. بهمین دلیل فقدان هر نوع تشکل و حق اعتصاب و اعتراض به صاحبان کار و دولتهای سرمایه‌اجازه هر نوع بهره‌برداری از این کودکان کار را میدهد بدون سلاح تشکل و اتکاء به نیروی طبقاتی نمی‌توان به جنگ بورژوازی تا به دندان مسلح رفت.

پایان دادن به جنگ و خونریزی در اثر سیاستهای جنگ طلبانه و منفعت جویانه بورژوازی و امپریالیستها که کودکان بیدفاع در سر تیتر آن قرار دارند و بالاترین بهاء را برای آن می‌پردازند و همچنین پایان دادن به استثمار کودکان و لغو کار مزدی فقط و فقط در توان طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی بی‌امان او است. تنها این طبقه قادر است با سازمانیابی نیروی اجتماعی خود و دیگر فرودستان جامعه و به میدان آمدن و خواباندن چرخ تولید نه تنها بودجه‌هایی که برای کودک‌کشی به جنگ اختصاص داده می‌شود را قطع نماید بلکه تضمین‌کننده لغو کار مزدی بویژه کار کودکان از بردگی و استثمار باشد، تضمین‌کننده دنیایی باشد که ضمن ایجاد رفاه و آسایش برای همه شهروندان، هیچ کودکی مجبور نباشد برای زنده ماندنش نیروی کارش را بفروشد و تن ظریف و نحیفش در اثر استثمار و بردگی له شده و آرزوهای کودکانه‌اش به گور سپرده شود.

جون ۲۰۲۴

